

پایان پرونده تلخ ترین قتل عام خانوادگی در تهران



موضوعات جنایی کشف شد. آتش عشق، کابوس، عشق پنهان، شکار قاتل، تعقیب، گل های پرپر شده، قاتل کیست؟، صاعقه، شلیک از روبه رو، سنگ شیطان، تلکه گیر و... از جمله عناوین کتاب های کشف شده حمیدرضا بود.

بازداشت پدر خانواده

چند روز از وقوع جنایت گذشته بود ولی هنوز سرخنی از این ماجرا به دست نیامد. در تحقیق از همسایگان نیز مشخص شد که هیچگونه سروصدای غیرعادی از خانه مقتولان شنیده نشده بود. تنها در ساعت ۱۵ روز جنایت، صدای محکمی شبیه کوبیدن چیزی به زمین شنیده شد. در ادامه مشخص شد که پریسا روز حادثه در خانه پدریزگش بوده است، اما با تماس پدرش به خانه خودشان رفته بود. با توجه به بررسی های تخصصی به عمل آمده از محل وقوع جنایت عدم وجود هرگونه آثار ورود با زور به محل جنایت و کذب بودن اظهارات حمیدرضا قطعی شد. همه بررسی ها و دلایل و شواهد نشان از دخالت پدر خانواده در ارتکاب این جنایت داشت. بنابراین با هماهنگی بازپرس پرونده، حمیدرضا دستگیر اما متکر هرگونه ارتکاب شد.

اعترافات تلخ

با این حال مورد بازجویی های بیشتر قرار گرفت و در نهایت به این قتل عام هولناک اعتراف کرد. او گفت که از چند ماه پیش قصد کشتن همسرش را داشته است:



علاقه بسیار شدیدی به مطالعه کتاب ها و مجله های پلیسی و جنایی داشت. مرد جنایتکاری که در بازرسی از کمدش، مجله و صفحه حوادث روزنامه ها کشف شد. بیش از ۱۰ کتاب با موضوعات جنایی داشت. آتش عشق، کابوس، عشق پنهان، شکار قاتل، تعقیب، گل های پرپر شده، قاتل کیست؟، صاعقه، شلیک از روبه رو، سنگ شیطان، تلکه گیر و... از جمله کتاب های این مرد بودند. قاتل خشمگینی که در اقدامی جنون آمیز همسر، دختر و پسرش را کشت. جسد آنها را کنار هم گذاشت. خانه را به هم ریخت و یک سناریوی دروغین را اجرا کرد، اما نتوانست از چشمان تیزبین ماموران و قاضی جنایی دور بماند. حمیدرضا به قتل اعتراف کرد، صحنه جنایت فجیع را بازسازی کرد. او محاکمه شد و در نهایت صبح دیروز بالای چوبه دار رفت تا این پرونده هولناک برای همیشه بسته شود.

جنایت هولناک و مرموز

ماجرا به ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه ۲۳ مهر سال ۹۲ برمی گردد. روزی که وقوع سه قتل در خیابان کمیل، خیابان تیموری، به کلانتری ۱۱۱ هفت چنار اعلام شد، مأموران کلانتری و تیم بررسی صحنه جرم اداره دهم در محل جنایت حاضر شدند. در بررسی های نخست مشخص شد که سه نفر از اعضای یک خانواده به قتل رسیده اند. زهرا ۴۶ ساله (مادر خانواده)، پریسا ۲۵ ساله (دختر خانواده) و حمیدرضا ۱۵ ساله (پسر خانواده) کشته شده بودند. در حالیکه آثار شکستگی در سر «زهرا» و «حمیدرضا» و آثار خفگی دور گردن «پریسا» مشخص بود.

پدر خانواده به نام «حمیدرضا» ۴۷ ساله بود که موضوع جنایت را به پلیس اطلاع داد. او در اظهارات خود به کارآگاهان گفت: «من به عنوان کارگرد یک شرکت صنعتی مشغول به کار هستم، چون شب کار هستم، ساعت ۱۷ و در حالیکه همسر و فرزندانم در خانه بودند از خانه خارج شدم. وقتی برگشتم آنها را در این وضع دیدم. چندین بار با تلفن خانه تماس گرفتم اما هیچکدام از اعضای خانواده ام پاسخگو نبودند. نگران شدم و مرخصی گرفتم. به خانه آمدم و با اجساد خانواده ام روبه رو شدم.»

اظهارات ضدونقیض

با وجود این اظهارات اما ماموران به حمیدرضا مشکوک شدند. گفته های او را بررسی کردند. در نهایت او بیشتر تحت نظر قرار گرفت. کارآگاهان با مراجعه به محل کار حمیدرضا به تحقیق از همکاران وی پرداختند. آنها متوجه شدند که او علاقه بسیار شدیدی به مطالعه کتاب ها و مجله های پلیسی و جنایی دارد. این در حالی بود که در بازرسی از کمد وی، علاوه بر کشف تعدادی مجله و همچنین صفحه حوادث روزنامه ها، بیش از ۱۰ کتاب با

۹ سال پیش بین دو خانوار در اهواز بر سر اختلافات قدیمی درگیری رخ می دهد که در این نزاع یک نفر به قتل می رسد و همین حادثه منجر به ایجاد اختلافات شدید شده بود.

عبدالعباس زبیدی نیا، رئیس شوراهای حل اختلاف خوزستان در این رابطه گفت: «با وساطت و تلاش رئیس و اعضای شعبه ۵۲ شورای حل اختلاف ویژه عشایر در اهواز، خانواده مقتول با عفو و بخشش از قصاص قاتل فرزند خود پس از ۹ سال صرف نظر کردند و قاتل را از چوبه دار نجات دادند.» رئیس شوراهای حل اختلاف استان خوزستان ادامه داد: «۹ سال پیش بین ۲ خانوار در اهواز بر سر اختلافات قدیمی درگیری رخ می دهد که در این نزاع یک نفر به قتل می رسد و همین حادثه منجر به ایجاد اختلافات شدید و همچنین سلب آرامش در منطقه شده بود. با تشکیل پرونده در دادگاه کیفری استان و دستگیری قاتل و طی مراحل قانونی و قضائی قاتل محکوم به قصاص می شود و پس از تایید نهایی حکم او، پرونده برای اجرای احکام جهت اجرای حکم قصاص ارسال می شود. در این مدت خانواده قاتل برای جلب رضایت اولیای دم و صرف نظر از اجرای حکم قصاص، بزرگان و ریش سفیدان زیادی را واسطه قرار دادند، ولی نتیجه حاصل نشد.

با ابراز پشیمانی قاتل از خطای خود و درخواست خانواده قاتل از شورای حل اختلاف جهت حل و فصل موضوع، با توجه به اینکه وظیفه ذاتی شورای حل اختلاف اصلاح ذات البین و ایجاد صلح و سازش بین طرفین متخاصم است، با دستور مرجع قضائی پرونده جهت ایجاد صلح و سازش به شعبه ۵۲ شورای حل اختلاف ویژه عشایر در اهواز ارجاع داده شد که بلافاصله رئیس و اعضای این شعبه با برگزاری چندین جلسه با بزرگان، ریش سفیدان و خانواده مقتول، زمینه ایجاد صلح و سازش بین این ۲ خانوار فراهم کردند.

سرقت مرگبار از طلا فروش سمنانی

طلا فروش سمنانی که چندی پیش از سرقت مسلحانه از مغازه اش و شلیک سارقان مجروح شده بود در نهایت تسلیم مرگ شد و درگذشت. مرد طلا فروش از شامگاه بیست و هشتم بهمن به دلیل مجروحیت ناشی از شلیک گلوله در حین سرقت مسلحانه در بیمارستان کوثر سمنان بستری شد و با وجود تلاش کادر درمان سرگرا با زده ام اسفند جان باخت.

سارقان سرقت مسلحانه از یک طلا فروشی در سمنان که منجر به جراحت طلا فروش و دستبرد مقادیری طلا شده بود، باردیابی پلیس سمنان در استان گلستان دستگیر شدند.

دو سارق بعد از ظهر بیست و هشتم بهمن با حمله به یک مغازه طلا فروشی در بازار سمنان، با تیراندازی به طلا فروش و مجروح کردن او، مقداری طلا به سرقت بردند. پلیس با اقدامات و تحقیقات تخصصی دو سارق را در استان گلستان ردیابی و شناسایی کرد و در نهایت سی ام بهمن با همکاری پلیس گلستان سارقان دستگیر شدند. یکی از سارقان در بندر گز و دیگری در گرگان دستگیر شدند، یکی از سارقان در برخورد با پلیس مقاومت کرد که در نهایت با تیراندازی پلیس، متهم دستگیر و طلاهای سرقتی ضبط شد. محمد شریف ابراهیمی، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان سمنان، برای رسیدگی به پرونده این سرقت مسلحانه از طلا فروشی در شهر سمنان بازپرس ویژه تعیین کرده بود. این سرقت مسلحانه از طلا فروشی سمنان در فضای مجازی انعکاس گسترده ای داشت و ویدئو مربوط به آن در کانال ها و صفحات مجازی مختلف منتشر شده بود.

حمله سارقان کابل با قمه به پلیس گرگان

سارقان کابل سابقه دار و خشن برای فرار از دست پلیس با قمه و سلاح سرد به سمت آنها حمله ور شده که با شلیک پلیس زمینگیر شدند. در پی گزارش به مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع سرقت کابل توسط دو سارق در ساعت دو با مداد دوشنبه در یکی از محلات گرگان، نزدیک ترین تیم گشت انتظامی از کلانتری ۱۳ شهید رجایی گرگان به محل اعزام شدند.

بلافاصله پس از حضور ماموران در محل، سارقان با یک موتورسیکلت پلیس اقدام به فرار کردند و حتی به دستورات مکرر پلیس نیز بی توجهی کرده و از محل متواری شدند. سارقان در حالی که با تعقیب و گریز پلیس مواجه شدند در شرایطی که عرصه بر آنها تنگ شده و راهی برای فرار نداشتند، با سلاح سرد و قمه به سمت ماموران حمله ور شده و قصد تعدی به پلیس را داشتند. ماموران چندین بار به سارقان تذکر و هشدار داده اما این افراد بدون توجه به تذکرات پلیس به سمت ماموران حمله ور شده که ماموران نیز با استفاده از قانون بکارگیری سلاح، با شلیک به سارقان از ناحیه پا، آنها را مورد اصابت گلوله قرار داده و سارقان زمینگیر شدند. سارقان برای مداوا به مرکز درمانی منتقل شدند. از آنها آلات و ادوات سرقت و مقادیری کابل مسروقه کشف و ضبط شد. این متهمان افراد سابقه دار حرفه ای هستند که سابقه سرقت، ضرب و جرح با سلاح سرد، حمل مواد مخدر، تحصیل مال مسروقه، شرکت در قتل عمد، سرقت احشام، تهدید و ترمد به سمت ماموران انتظامی با سلاح سرد، سرقت موتورسیکلت و کابل برق را در پرونده خود دارند.

«حتی یک بار با همسرم به پارک چیتگر رفتیم. می خواستم همانجا او را بکشم ولی موفق نشدم. ما با هم اختلافات زیادی داشتیم. نمی توانستم ادامه زندگی با او را تحمل کنم. برای همین دنبال نقشه ای برای کشتنش بودم.»

این مرد لحظه به لحظه جنایت را اینطور روایت کرد: «روز حادثه باز هم با همسرم درگیر شدم. او قصد بیرون رفتن از خانه را داشت. خیلی عصبی بودم. تصمیم گرفتم همانجا نقشه ام را عملی کنم. بلافاصله به پشت بام رفتم. چوبدستی را برداشتم و داخل خانه آمدم. چندین ضربه به سر همسرم وارد کردم که روی زمین افتاد. نمی دانم چرا اما تصمیم گرفتم که بچه هایم را هم بکشم. منتظر ماندم. پسرم ساعت ۱۴ به خانه آمد. مادرش را دید که روی زمین است. فکر کرد خوابیده. پرسید چرا این ساعت مامان خوابه؟ نشست که پتورا بردارد. با چوبدستی از پشت سر، چندین ضربه به سر او وارد کردم. او نیز روی زمین افتاد. جسد حمیدرضا را کنار مادرش گذاشتم. بعد به پریسازنگ زدم و از او خواستم تا سریع به خانه بیاید. وقتی آمد از او خواستم که به بهانه جابه جا کردن وسایل و کمک به من، بدون آنکه داخل خانه برود، به پشت بام بیاید. با هم به بالا رفتیم. یک بند رشته ای را که از قبل آماده کرده بودم، دور گردنش انداختم. او را خفه کردم. بعد از خفه کردن پریسا، او را به داخل اتاق خواب خودش بردم.»

صحنه سازی

متهم در ادامه اعترافاتش گفت: «بعد از قتل عام خانواده ام، همه وسایل خانه را به هم ریختم. چوبدستی را به بالای پشت بام انداختم. بعد هم به سرکار رفتم. نیم ساعت پس از شروع به کار، به همکارانم گفتم که کسی در خانه جوابگوی تلفن من نیست. به این بهانه مرخصی گرفتم. به همراه دو نفر از همسایگان، در خانه را باز کردیم و با اجساد خانواده ام روبه رو شدیم. بعد هم موضوع را به پلیس و اورژانس اطلاع دادم.»

اعدام

با این اظهارات او در دادگاه محاکمه شد. هیأت قضائی در نهایت این مرد را به اعدام و زندان محکوم کرد. این حکم در دیوان عالی کشور نیز تأیید شد. در نهایت صبح دیروز حمیدرضا پای چوبه دار رفت و اعدام شد. با اعدام این مرد جنایتکار، این پرونده هولناک نیز برای همیشه بسته شد.

تحقیقات به دستگاه قضائی معرفی و سپس با صدور قرار قانونی روانه زندان شد. رئیس پلیس پیشگیری پایتخت با اعلام این خبر گفت: «هموطنان همواره هشدارهای پلیس را جدی بگیرند و هرگز کارت بانکی و سایر اسناد و اوراق بانکی خود را در اختیار افراد ناشناس قرار ندهند و در صورت مواجه شدن با این گونه موارد، مراتب را در کمترین زمان ممکن از طریق تماس با فوریت های پلیس ۱۱۰ اعلام تا در اسرع وقت در این خصوص اقدام شود.

ریال کلاهبرداری از ۱۰ شهروند تحت عنوان مأمور پلیس اعتراف و بیان کرد که با استفاده از پوشش پلیس و با مراجعه به واحدهای صنفی مختلف و جلب اعتماد آنان و گرفتن کارت بانکی شان اقدام به کلاهبرداری و واریز وجه نقد به حساب خود می کرده است. با توجه به اعترافات متهم دستگیر شده، بسیاری از اقلام و وجوهی که این فرد در کلاهبرداری ها به دست آورده بود، به مالباختگان تحویل شد و متهم با تکمیل

شد که فرد مورد نظر دارای آدرس و مکان مشخصی نیست. در روند تحقیقات پلیس، ۱۰ نفر دیگر از شهروندانی که به این شکل از آنان کلاهبرداری شده بود، شناسایی شدند. در روند تحقیقات، سرانجام سرخه هایی از فعالیت های فضای مجازی متهم به دست آمد و طی یک عملیات پلیسی متهم در مخفیگاهش دستگیر شد. در مواجهه حضوری شاکیان پرونده و رایه اسناد و مدارک، متهم به یک میلیارد

متممی که تحت عنوان مأمور پلیس اقدام به اخذی از تعدادی شهروند کرده بود، در تحقیقات تیم عملیات ۱۴۹ دستگیر شد. اوایل ماه جاری، صاحبان یکی از اصناف فعال در بازار امامزاده حسن با مراجعه به پلیس اعلام کردند، شخص ناشناسی که خود را مأمور معرفی می کرد، از آنان اخذی کرده است. بلافاصله بررسی موضوع در دستور کار تیم عملیات کلانتری ۱۴۹ قرار گرفت و مشخص

دستگیری مأمور قلابی در امامزاده حسن